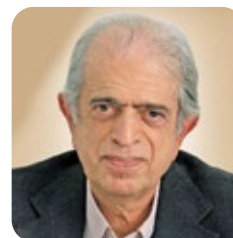


یک جمع نکوشیده رسیدند به مقصد^۱

● به انتخاب و نگارش: بتول اله‌داد، کارشناس مدیریت



فرصتی دست داد تا با گفت‌وگو و کسب اجازه از استاد سید مهدی الوانی، در برخی از نوشته‌های ایشان، «تفرجی از سر ناشکیبایی» داشته باشیم و سیری اجمالی از نوشته‌های پدر علم مدیریت ایران را در چند شماره پی‌درپی تقدیم حضور شما مخاطبان عزیز کنیم.

حساب می‌شود. پس نمی‌توان آن‌ها را در کنار هم قرار داد و تعادل را میان دو عنصری که هم‌تراز هم نیستند جست. کار جزئی از زندگی است و باید آن را با زندگی هماهنگ کرد. کار ما نباید به زندگی ما آسیب برساند و جزء نباید کل را دگرگون کند!

این روزها در فناوری‌های جدید از سامانه‌هایی نام می‌برند که برای بقا و آسیب‌گریزی با «جفت‌های سست^۲» به هم پیوند می‌خورند، زیرا «جفت‌های سخت^۳»، یعنی اجزایی که با هم پیوندی سخت دارند، بسیار آسیب‌پذیرند و به محض آنکه جزء صدمه ببیند، کل سامانه از میان می‌رود و متوقف می‌شود. اما در پیوند جفت‌های سست، خرابی یک جزء فقط همان جزء را به مخاطره می‌اندازد و کل را دچار مشکل نمی‌کند. علت بسیاری از سانحه‌ها، پیوند جفت‌های سخت بوده است^۴. در رابطه با کار و زندگی نیز باید طوری عمل کنیم که مشکل کار به کار آسیب نرساند، نه به زندگی، که کل محسوب می‌شود. این پندی است که از فناوری‌های جدید باید بیاموزیم. ■

پی‌نوشت‌ها

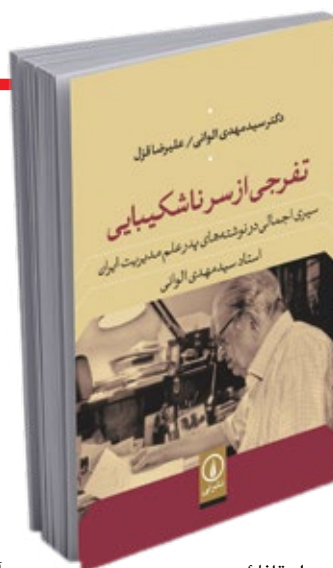
۱. فروغی بسطامی: یک قوم نکوشیده رسیدند به مقصود، یک قوم دویدند و به مقصد نرسیدند.

2. Loosely Coupled
3. Tightly Coupled

۴. حادثه موشک چلنجر یکی از آن‌هاست که عملکرد بد یک شیر کوچک کل سفینه را نابود کرد.

منبع

سیدمهدی، الوانی؛ قزل، علیرضا (۱۳۹۵)، تفرجی از سر ناشکیبایی، تهران، نی.



در متوسطه دبیری داشتیم که به حال من بسیار افسوس می‌خورد و از اینکه سررو بانی نداشتم، نگران آینده من بود. می‌گفت در این جامعه اگر زرنگ نباشی، خورده می‌شوی، سعی کن زرنگ باشی. یاد بگیر که زندگی مسابقه است. اگر دیر بجینی، عقب می‌افتی. اما من نتوانستم به پندهای معلم عمل کنم. زندگی را به سبک مسابقه نگذراندم. با آرامش زندگی کردم. سبقت گرفتن از دیگران را یاد نگرفتم، چون آن را آزاردهنده می‌دیدم. پس، به جای آنکه به هیاهوی دویدن‌ها و سبقت گرفتن‌ها بپیوندم، خودم

شدم و بدون اینکه دغدغه و اضطراب عقب‌ماندن از قافله دوندگان را داشته باشم، آهسته و با آرامش رفتم و شگفت اینکه زودتر از آن‌ها رسیدم؛ نکوشیده و نجنکیده!

در زندگی هیچ‌گاه به دیگران رشک نبردم. شاید بهتر است بگویم که کوشیدم به دیگران حسد نورزم و گرفتار رقابت با آنان نشوم. هستی جریانی دارد که اگر با آن سازگار باشی، جلو می‌روی، اما باید نظام هستی را بشناسی. خلاف قاعده آن عمل نکنی و تعادل و توازن را به هم نریزی. باید با آن هماهنگ باشی، چون زیبایی در این هماهنگی و موزونی است. رشد هماهنگ زیباست، افراط و تفریط باعث زشتی می‌شود. شاید به همین دلیل است که انسان امروز دچار نبود تعادل شده است؛ هر چند در تلاش‌هایش برای کسب ثروت موفق می‌شود، ولی وقتی به خود می‌آید که بسیاری از مواهب زندگی را از کف داده است.

آرایه زندگی باید متوازن و همه اجزای آن متعادل و با هم جور باشند. در بحث تعادل و زندگی به همین توازن اشاره می‌شود، اما نکته‌ای که از آن غفلت می‌شود، این است که زندگی انسان بی‌نهایت وسیع است و کار جزئی از این گستره